



حجاب (۱)

پدیدآورنده (ها) : سعیدی، فریده

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۲ (چشم - چشم پزشکی - حرانی، ابن شعبه)

صفحات : از ۶۰۳ تا ۶۱۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1698847>

دانلود شده توسط : مجتبی مزروعی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- سیاستگذاری فرهنگی و مدیریت پوشش: مطالعه موردی حجاب
- پویایی در معنا و مفهوم حجاب
- تحلیلی بر حکم یا حق بودن حجاب
- نقش عوامل فرهنگی و رسانه ای در پیش بینی حجاب زنان؛ مطالعه ای ملی
- نقش رسانه های نوین در اشاعه حجاب و پوشش اسلامی در جامعه
- نقد آراء فاطمه مرنیسی در خصوص حجاب
- ورود
- ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری
- مبانی نظری مداخله ی دولت در مسئله ی حجاب
- نهاد خانواده، سبک زندگی و گرایش به حجاب
- بررسی واژه های هم گرای حجاب و ستر در شبکه مفهومی پوشش بانوان با رویکرد بر معناشناسی متنی
- زنان و تقابل سکولاریسم دولتی و اسلام گرایی رو به رشد در ترکیه

عناوین مشابه

- ارزیابی راهبردهای عفاف و حجاب ۱. راهبرد اقناعی و کنترلی
- نگاهی به حجاب اسلامی فلسفه و آثار اجتماعی آن (۱)
- اختیارات و وظایف دولت اسلامی در بستر سازی برای عفاف و حجاب و گسترش آن (۱)
- سینما و حجاب (۱)
- فی ریاض الشعر : ۱ - یا شعراء النیل
- فی ریاض الشعر : ۱ - علی البحیرة - ۲ - عیون و عیون
- محاضرات النقابة - ۱
- أصول الخطابة - ۱
- سلسلة مقالات فی الأخلاق - ۱
- الجسم و العقل - ۱

تیرتولیانوس (از آباء کلیسا، متوفی ۲۲۵ میلادی)، در اثرش < درباره پوشش زنان >^۲، زنان مسیحی را ملزم می‌کرد در لباس پوشیدن، آرایش مو، راه رفتن و استفاده از زیورات همانند زنان مشرک نباشند. در دوره معاصر گروهی از یهودیان راست‌کیش (ارتدوکس) همچنان بر لزوم پوشیده بودن موی زنان پافشاری می‌کنند (د. جودائیکا^۳، ذیل "Head, covering of the"; < دایرة المعارف دین >^۴، ذیل "Clothing", "Tertullian").

واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم (غالباً به معنای مانع و حائل) به کار رفته (اعراف: ۴۶؛ اسراء: ۴۵؛ مریم: ۱۷؛ احزاب: ۵۳؛ ص: ۳۲؛ فصلت: ۵؛ شوری: ۵۱)؛ اما فقط آیه ۵۳ سوره احزاب - که مردان مسلمان را از رو در رو شدن با همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله منع کرده - تاحدودی ناظر به معنای اصطلاحی مطرح در این مقاله است. به نظر می‌رسد نزول این آیه نخستین مرحله تبیین لزوم پوشیده بودن زنان در مواجهه با مردان غیر محرم بوده که مفهوم و حدود آن به تدریج در سیر نزول آیات بسط یافته است.

در این آیه به مردان دستور داده شد که با همسران پیامبر از پشت پرده (مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) سخن گویند و همسران پیامبر در برابر دیدگان نامحرمان پیدا نباشند و این کار برای پاکی قلبی هر دو طرف بهتر دانسته شد. حکم آیه - که به سبب ذکر واژه حجاب در آن، به «آیه حجاب» معروف است - به همسران پیامبر اختصاص داشت و دیگر زنان مسلمان را دربر نمی‌گرفت (طبرسی؛ ابن‌کثیر؛ شوکانی؛ محمدحسین طباطبائی، ذیل آیه؛ قس مقدم، ص ۲۵۱-۲۶۹، که آرای عالمان و مفسران اهل سنت را درباره تعمیم این حکم به زنان دیگر گردآورده است). حدیث ابن‌ام‌مکتوم - که مطابق آن پیامبر اکرم به همسران خود دستور دادند در برابر مرد نابینا خود را پشت حائل پوشیده دارند (کلبی، ج ۵، ص ۵۳۴؛ بیهقی، ج ۷، ص ۹۱-۹۲؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۲۳۲-۲۳۳) - نیز همین معنا را افاده می‌کند (برای سند حدیث - محمدتقی خوئی، ج ۳۲، ص ۳۹؛ نیز برای استفاده نوعی تعمیم از این حدیث - جوادی آملی، ص ۵۲-۵۳). پایبندی همسران پیامبر اکرم به اجرای این دستور و تلقی مسلمانان صدر اسلام از آن (ابن‌سعد، ج ۸، ص ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۶-۱۴۷؛ بخاری، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۵۵، ج ۵، ص ۷۷-۷۸، ج ۶، ص ۴۲-۲۳۹؛ مسلم بن حجاج، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۹، ج ۴، ص ۱۴۷، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۱، ج ۷، ص ۱۱؛ حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۴)، مؤید این نکته است که در ابتدا حکمت تشریع حجاب، حفظ شأن و حرمت پیامبر و

مقدادین عبدالله فاضل مقداد، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، چاپ محمدباقر بهبودی، چاپ افست تهران ۱۳۸۵-۱۳۸۴؛ محمدبن عمر فخررازی، التفسیر الکبیر، آو، مفاتیح الغیب، بیروت ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ محمدحسین فضل‌الله، من وحی القرآن، بیروت ۱۹۹۸/۱۴۱۹؛ محمدبن شاه مرتضی فیض کاشانی، تفسیر الصافی، چاپ حسین اعلی، بیروت [?] ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا.]; کلبی؛ محمدرضا مظفر، اصول الفقه، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی‌تا.]; محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، قم ۱۴۱۱-۱۴۱۲؛ مقدمتان فی علوم القرآن، چاپ آرتور جفری و عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۹۷۲/۱۳۹۲؛ ناصر مکارم شیرازی، القواعد الفقهیة، قم ۱۴۱۱؛ حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیة، نجف ۱۹۶۹-۱۹۸۲، چاپ افست قم ۱۴۰۲؛ احمدبن محمد میبدي، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ علی‌اصغر حکمت، تهران ۱۳۶۱ ش؛ حسن بن محمد نظام‌الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، چاپ زکریا عمیرات، بیروت ۱۴۱۶/۱۹۹۶؛ علی‌بن احمد واحدی نیشابوری، اسباب النزول، بیروت ۱۹۸۵.

/ محمد صادقیان هرات /

حجاب (۱)، اصطلاحی دینی ناظر به حکم پوشش

زنان در برابر دیگران، به‌ویژه مردان غیر محرم، که در کنار حکم پوشش مردان در فقه مطرح شده است. حجاب در لغت به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکند، پوشاندن و پوشش (بستر) است (جوهری؛ ابن‌منظور؛ زبیدی، ذیل واژه). به پرده حائل میان قفسه سینه و شکم، «حجاب حاجز» می‌گویند (تهانوی، ذیل واژه). امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی به معنای پوشش شرعی زنان به کار می‌رود. حجاب، بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، رفتاری اجتماعی است، یعنی انسان عاقل مکلف، در جمع و هنگام مواجهه با دیگران، از حیث پوشش، الزامات و محدودیتهایی را می‌پذیرد که میزان آن در فرهنگها و ادیان و جوامع، متفاوت است. در باور دین‌داران، علی‌الاصول، الزامات و محدودیتها و هنجارهای حضور در اجتماع را دین تعیین می‌کند.

پوشیده بودن زنان در ادیان و اقوام پیش از اسلام نیز وجود داشته است (سفر پیدایش، ۲۴: ۶۴-۶۵؛ کتاب اشعیاء نبی، ۳: ۱۶-۲۴؛ نامه اول پولس به قرنتیان، ۱۱: ۴-۱۵؛ د. ایرائیکا، ذیل "Cador. I-II"; < دایرة المعارف جهان اسلام آکسفورد >^۱، ذیل واژه: برای موجبات این پوشیدگی - مطهری، ص ۳۱-۳۳). مسیحیان و یهودیان به پوشیده بودن موی زنان اهمیت می‌دادند و آن را از نشانه‌های عفت زنان برمی‌شمردند. متأله مسیحی،

1. The Oxford encyclopedia of the modern Islamic world

2. On the dress of women

3. Encyclopædia Judaica

4. The Encyclopedia of religion

نوعی احترام ویژه به همسران ایشان بوده است.

تا سال پنجم هجری که این آیه در آن سال، در جریان ازدواج پیامبر اکرم با زینب بنت جحش نازل شد (ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۲۶؛ بخاری، ج ۶، ص ۲۶-۲۴؛ ابن بابویه، ج ۱، ص ۶۵؛ ابن کثیر، ذیل آیه؛ برای دیگر شأن نزولهای ذکر شده سیوطی، ذیل آیه)، حجاب به معنای مورد اشاره در آیه بر هیچ یک از زنان مسلمان واجب نشده بود، هرچند در آیات دیگری از همین سوره که قبل از آیه حجاب نازل شده‌اند، همسران پیامبر و دیگر زنان مسلمان از تبرج به شیوه عصر جاهلیت نهی شده بودند، اما نه نفی تبرج، وجوب و حدود حجاب را افاده می‌کرد و نه احتراز از تبرج موجب بی‌نیازی از حجاب بود (تبرج*). در هر صورت، آیه حجاب مستقیماً درباره احکام پوشش زنان نیست و حکم شرعی پوشش و حدود آن در آیه‌های دیگری از قرآن کریم آمده است.

با نزول آیه ۵۹ سوره احزاب، به همسران و دختران پیامبر و زنان با ایمان دستور داده شد برای شناخته شدن و مورد آزار قرار نگرفتن، خود را با جلباب بپوشانند (يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيبِ). لغت‌شناسان و مفسران، برای جلباب معانی مختلفی ذکر کرده‌اند، از جمله: لباس فراگیر از سر تا پا مانند چادر، لباسی فراخ که زن روی لباسهایش می‌پوشد و تا قدمهایش را فرامی‌گیرد، ملحفه، مقنعه و سرپوشی که سر و روی زن را بپوشاند (ابن منظور، همانجا؛ قرطبی؛ ابن کثیر، ذیل آیه). از بعضی روایات (برقی، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ کلینی، ج ۸، ص ۳۸۴-۳۸۵) برمی‌آید که به گونه‌ای از لباس مردان نیز جلباب گفته می‌شده است (نیز جَلَاب*). حکم مذکور در آیه، این احتمال را که مراد از جلباب، لباس فراگیر (مانند چادر یا ملحفه) بوده است، تقویت می‌کند (سیفی مازندرانی، ج ۶، ص ۲۹-۳۰؛ نیز محمدتقی مجلسی، ج ۸، ص ۳۵۳).

مفسران درباره عبارت «ذَلِكِ اَذْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ» و اینکه زنان مؤمن با پوشیدن جلباب از چه کسانی بازشناخته می‌شوند، نظر یکسانی ندارند. برخی با استناد به شأن نزول آیه مبنی بر مواجه شدن زنان مدینه با رفتارهای ناشایست و به دور از ادب افراد لایبالی و عذر آوردن آنان در پاسخ به اعتراضها که به تصورشان با کنیزی روبه‌رو بوده‌اند، پوشش جلباب را وسیله‌ای برای بازشناسی زنان آزاد از کنیزان و مصون ماندن آنان از تعرض افراد بی‌بند و بار دانسته‌اند (سیفی؛ طبرسی؛ قرطبی؛ سیوطی، ذیل آیه). هرچند این امر به معنای راضی بودن شارع به تعرض به کنیزان نیست. در مقابل، برخی مفسران پوشیدن جلباب را نشانه‌ای برای تمایز زنان عقیف و پاک‌دامن از دیگران دانسته‌اند (طبرسی؛ فخررازی؛ محمدحسین طباطبائی، ذیل آیه).

درحالی که بسیاری از مفسران و فقه‌های اهل سنت (

مقدم، ص ۱۹۱-۲۳۷) و شماری از امامیان برای حکم الزامی حجاب به آیه جلباب استناد کرده‌اند (برای نمونه سیوطی، ج ۵، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ سیفی مازندرانی، ج ۶، ص ۳۰)، به نظر شماری دیگر حکم مذکور در این آیه نه الزام‌آور است نه عام، بلکه پوشیدن جلباب نمایانگر پاک‌دامنی و «حُر» بودن زن و وسیله‌ای برای حفظ شخصیت او شمرده شده است (برای نمونه جواد آملی، ص ۵۱-۵۲؛ مؤمن قمی، ص ۳۵۳) و شاید از همین رو برخی زنان مدینه از آن استقبال کردند (جصاص، ج ۳، ص ۳۷۲؛ سیوطی، ذیل آیه؛ قس ابن کثیر، ذیل نور: ۳۱).

با نزول آیه ۳۱ سوره نور، پس از سوره احزاب (زرکشی، ج ۱، ص ۱۹۴)، حجاب بر زنان واجب شد. در این آیه به همه زنان با ایمان دستور داده شد دیدگانشان را فرو بندند، دامنه‌ایشان را حفظ کنند، زینتهای خود را جز آنچه، به‌طور طبیعی و عادی، نمایان است آشکار نسازند، روسریها را بر گریبانهای خویش فرو اندازند، زینتشان را فقط برای اشخاص معینی (مذکور در همان آیه) ظاهر کنند و پاهای خود را به گونه‌ای بر زمین نگویند که زینتهای پنهان آنها نمایان شود.

این آیه مهم‌ترین مستند فقها برای اثبات وجوب پوشش و مشتمل بر حدود آن است. مباحث حجاب در احادیث، بیشتر در حکم تفسیر و تبیین این آیه و به‌ویژه عبارت «إِلَّا مَا ظَهَرَ» (زینتهای آشکار) و حکم نگاه کردن به آنهاست (بیهقی، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶، ج ۷، ص ۸۵-۸۶؛ سیوطی، ذیل آیه؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۲۰۰-۲۰۲)؛ البته گاه به آیات دیگر هم استناد شده است، از جمله آیه ۳۳ سوره احزاب درباره نهی از تبرج، آیه جلباب و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور (شبییری زنجان، درس خارج فقه، مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۴؛ فاضل، ص ۳۳، ۳۸-۳۷). احادیثی نیز به جنبه‌های دیگری از احکام حجاب پرداخته‌اند، از جمله پوشش زنان سالخورده، آغاز وجوب حجاب پس از بلوغ، یا چگونگی حجاب در برابر اقسام خاصی از مردان یا کودکان نابالغ (بیهقی، ج ۲، ص ۲۲۶، ج ۷، ص ۹۶؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۲۰۲-۲۰۵، ۲۲۸-۲۲۹).

اصطلاح رایج در متون فقهی پیشین برای پوشش زنان، واژه «ستر» است و حجاب به معنای پوشش و پوشاندن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است که از رواج آن در فرهنگ عامه و منابع جدید فقهی، بیش از یک قرن نمی‌گذرد؛ البته کاربرد واژه حجاب به این معنا (علاوه بر حجاب به مفهوم قرآنی آن) در متون حدیثی و فقهی پیشین بی‌سابقه نیست (برای منابع حدیثی ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۷۹، ج ۶، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ محمدباقر مجلسی، ج ۳۰، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ برای منابع فقهی ابن قدامه، ج ۷، ص ۴۵۶-۴۵۷، ۴۶۴-۴۶۵؛ علامه حلی، ج ۲، ص ۵۷۳؛ فخرالمحققین، ج ۳، ص ۷). همچنین واژه حجاب در برخی

شاخص‌ترین مصداق حجاب یا، به نظر برخی، تنها مصداق آن، پوشش زن مسلمان به سن تکلیف رسیده، در مقابل مرد غیرمحرّم بالغ و نیز کودک ممیّز نابالغ است. بر پایه فقه، حد لازم حجاب برای زن غیرآزاد (کنیز) بسیار کمتر از زنان دیگر است (← برده و برده‌داری^{۱۰}). همچنین به استناد آیه ۶۰ سوره نور («الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ»)، درباره حکم پوشش زنان سالخورده‌ای که زمینه ازدواج در آنها منتفی است، سهل‌گیری شده است (← ابن‌کثیر، ذیل نور: ۶۰؛ شمس‌الدین، کتاب ۱، ص ۶۶؛ جوادی آملی، ص ۱۳۰-۱۳۶؛ کلانتری، ص ۸۱-۸۷). بر پایه احادیث مرتبط با تفسیر این آیه (از جمله ← کلینی، ج ۵، ص ۵۲۲؛ بیهقی، ج ۷، ص ۹۳-۹۴)، فقها برداشتن جلباب، و حتی شماری از آنان برداشتن روسری و آشکار کردن موضعی را که عادتاً بیرون است، برای این افراد جایز شمرده‌اند (← قرطبی، ذیل آیه: نجفی، ج ۲۹، ص ۸۵-۸۶). در هر صورت، تأکید اسلام بر رعایت ستر از سوی زن، عمدتاً ناشی از اختلاف جنسیتی زن و مرد است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (← مطهری، ص ۸۸، ۱۴۴-۱۴۵).

وجوب حجاب بانوان در برابر مردان غیرمحرّم، مورد توافق فقهای همه مذاهب اسلامی است (← طباطبائی‌یزدی، ج ۵، ص ۴۹۴-۴۹۵؛ جزیری، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ زحیلی، ج ۷، ص ۳۳۶)؛ اما حدود و اندازه آن مورد بحث و گفتگوی فقهاست. خاستگاه این اقوال، عمدتاً اختلاف‌نظر آنان درباره مواضع استثنا شده از حکم وجوب پوشش است.

بسیاری از فقهای امامی و اهل سنت پوشانیدن همه بدن، جز صورت و دستها (اصطلاحاً کَفّین)، را واجب می‌دانند (برای آرای فقهای امامی ← طوسی، ج ۴، ص ۱۶۰؛ بحرانی، ج ۲۳، ص ۵۵-۵۶؛ نراقی، ج ۱۶، ص ۴۶؛ برای آرای فقهای اهل سنت ← ابن‌حزم، ج ۱۰، ص ۳۲؛ شمس‌الانعمه سرخسی، ج ۱۰، ص ۱۵۲-۱۵۴؛ ابن‌قدامة، ج ۷، ص ۴۶۰؛ ابوالبرکات، ج ۱، ص ۲۱۴؛ جزیری، ج ۱، ص ۱۹۲). مهم‌ترین مستند آنان جمله «لَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در آیه ۳۱ سوره نور است. در احادیث مصادیق گوناگونی برای زینت ظاهری، که در این آیه استثنا شده، ذکر شده است، از جمله لباس، حنای کف دست، سرمه، انگشتر، دستبند، صورت و دو دست (← قرطبی؛ سیوطی، ذیل نور: ۳۱؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۲۰۰-۲۰۲؛ نوری، ج ۱۴، ص ۲۷۵-۲۷۶). به نظر بسیاری از فقها و مفسران، لازمه جواز آشکار نمودن زینتهایی مانند سرمه و انگشتر، جواز نمایان بودن مواضع آنها، یعنی چهره و دستها، است (← جصاص، ج ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ طبرسی؛ محمدحسین طباطبائی، ذیل آیه؛

احادیث به معنای کنایی ترک ازدواج به کار رفته است (← اشعری قمی، ص ۱۰۳؛ فیض کاشانی، ج ۲۱، ص ۱۶۴-۱۶۵). به گفته ابوهلال عسکری (ص ۱۷۶)، حجاب به معنای پنهان شدن و پوشاندن به قصد اختفا و منع از ورود دیگران است و با ستر تفاوت دارد. ازاین‌رو، برخی نویسندگان معاصر، نسبت به کاربرد واژه حجاب به جای ستر تأمل کرده‌اند؛ محمدمهدی شمس‌الدین (کتاب ۱، ص ۶۴) این کاربرد را نوعی تسامح در تعبیر دانسته است، زیرا حجاب، به معنایی که در قرآن آمده، از احکام خاص همسران پیامبر بوده و بر دیگر زنان مسلمان تنها پوشاندن بدن به صورت مقرر در شرع، واجب شده است. مطهری (ص ۸۱)، منشأ احتمالی این جابه‌جایی را اشتباه شدن پوشش اسلامی با پوششهای سخت‌گیرانه دیگر ملل که در آنها زنان در پشت پرده و خانه‌نشین بوده‌اند، دانسته است. این احتمال نیز مطرح است که گرایش برخی مسلمانان به نوعی سخت‌گیری در پوشش بانوان، تحت تأثیر پاره‌ای رسوم اجتماعی، منشأ کاربرد مذکور بوده و به تدریج، ستر جای خود را به پرده‌نشینی داده است (برای رسم پرده‌نشینی زنان در برخی مناطق جهان اسلام ← دایرة‌المعارف زنان و فرهنگهای اسلامی^{۱۱}، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵، ج ۲، ص ۵۰۳-۵۰۴، ۶۴۴-۶۴۶).

موضوع حجاب در منابع فقهی در باب مستقلی مطرح نشده است، بلکه معمولاً در دو مبحث مطرح می‌شود:

۱) در مبحث نماز، به مناسبت بحث از پوشش و لباس نمازگزار (← ستر^{۱۲}). تفاوت میان پوشش در حالت نماز (ستر صلاتی) و پوشش در غیر حالت نماز، آن است که قسم نخست در هر حال واجب است، چه نمازگزار در معرض نگاه بیننده‌ای باشد چه نباشد. اما مقصود از قسم دوم، پوشیده بودن از نگاه دیگران است، هرچند مثلاً با استقرار در مکانی تاریک تحقق یابد (طباطبائی‌یزدی، ج ۲، ص ۳۱۶-۳۱۹؛ جوادی آملی، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ جزیری، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۹۲). به نظر مشهور در فقه امامی، بین حد ستر صلاتی و ستر واجب در برابر نامحرّم، تلازمی وجود ندارد (کاظمی خراسانی، ج ۱، ص ۳۸۳؛ جوادی آملی، ص ۱۰۶).

۲) در مبحث نکاح، که به مناسبت بحث از حکم نگاه کردن طرفین عقد به یکدیگر هنگام خواستگاری، از احکام نگاه کردن به‌طور عام و احکام ستر سخن می‌رود. ضمن آنکه ستر و نگاه دو مسئله جداگانه‌اند و حکم آنها در پاره‌ای صور با هم ملازمه دارد (← جوادی آملی، ص ۲۳، ۴۵؛ مؤمن قمی، ص ۳۳۴، پانویس ۲).

امکان، مطلوب است (برای نمونه ← کلینی، ج ۵، ص ۵۳۵؛ هیشمی، ج ۴، ص ۲۵۵؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۶۷-۶۵)، ضمن آنکه این توصیه‌های اخلاقی، که غایت آنها مراقبت از سلامت زندگی اجتماعی و پیشگیری از زمینه‌های بروز بی‌بند و باری است، نباید با احکام فقهی الزامی خلط شوند (مطهری، ص ۲۳۵-۲۳۹).

در برابر، برخی فقهای امامی و اهل سنت پوشانیدن همه بدن، حتی چهره و دستها، را برای زنان واجب دانسته‌اند (← بحرانی، ج ۷، ص ۷؛ حکیم، ج ۱۴، ص ۲۸؛ الموسوعة الفقهية، ج ۴۱، ص ۱۳۴). در مقام استدلال، از جمله به ادله عام و جوب ستر، یا حرمت نظر که با وجوب ستر ملازمه دارد، استناد شده است، با این توضیح که اطلاق آیه ۳۰ سوره نور که نگاه نکردن به زنان غیرمحرّم را بر مردان لازم شمرده است، صورت و دستها را نیز دربرمی‌گیرد (← نجفی، ج ۲۹، ص ۷۷؛ محمدتقی خوئی، ج ۳۲، ص ۴۲-۴۱؛ قس مؤمن قمی، همانجا). همچنین به روایاتی که دلالت بر منع از نگاه کردن به زن غیرمحرّم، به صورت مطلق، دارد و چند روایت دیگر که دلالت التزامی آنها وجوب مستور بودن تمام بدن زن است، نیز استدلال شده است (← کلینی، همانجا؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۱۹۰-۱۹۵؛ نجفی، ج ۲۹، ص ۷۷؛ نیز ← محمدتقی خوئی، ج ۳۲، ص ۴۹). در پاسخ به این استدلال گفته‌اند که روایات ذکر شده، به ویژه با توجه به سیاق آنها و واژه عورت که در آنها به کار رفته است، در مقام بیان حکم شرعی وجوب ستر نیست، بلکه توصیه‌هایی اخلاقی و ناظر بر ترجیح و مطلوبیت پوشیده بودن زنان است (← شمس‌الدین، ص ۱۸۶-۱۹۰؛ شبیری زنجانی، درس خارج فقه، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۶ ش، ۱۳۷۷/۱۲/۱ ش).

دلایل دیگر مورد استناد برای شمول حجاب بانوان بر صورت و دستها عبارت‌اند از: (۱) احادیثی (← سیوطی، ذیل نور: ۳۱؛ نوری، ج ۱۴، ص ۲۷۶-۲۷۵) که مراد از «الّا ما ظهر» در آیه ۳۱ سوره نور را لباس دانسته‌اند (نجفی، ج ۲۹، ص ۷۸؛ مقدّم، ص ۲۸۳-۳۲۷؛ در این صفحات آرای قائلان به این نظر گردآوری شده است؛ برای این نظر که استثنای مذکور از مقوله استثنای منقطع است ← جوادی آملی، ص ۴۱). (۲) سیره متشرعه که با احراز شرایطی، به عنوان دلیل فقهی پذیرفته می‌شود (← مظفر، ج ۲، ص ۱۵۵-۱۵۷) - پوشیده بودن صورت زنان بوده است (نجفی، ج ۲۹، ص ۷۷؛ برای نقد آن ← شهیدثانی، ج ۷، ص ۴۷-۴۸؛ علی طباطبائی، ج ۱۰، ص ۷۱؛ برای تفصیل و نقد استدلالها ← حکیم، ج ۱۴، ص ۲۸-۲۹؛ قرضاوی، ص ۴۱-۵۵). به نظر برخی فقها، بین استثنا دانستن صورت و دستها از حکم وجوب ستر با جواز نگاه کردن به آنها ملازمه‌ای وجود ندارد (برای تفصیل مطلب درباره حکم نگاه

مقدس اردبیلی، ص ۵۴۵). روایاتی که بر استثنا شدن صورت و دستها از پوشانیدن و نیز جواز نگاه کردن به آنها (و گاهی قدّمین) دلالت می‌کنند (← سیوطی، همانجا؛ حرّعاملی، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، ج ۲۰، ص ۲۰۱-۲۰۲، ۲۱۵-۲۱۶) نیز مؤید این دیدگاه است (← شمس‌الانتمه سرخسی؛ ابن‌قدامة، همانجاها؛ نجفی، ج ۲۹، ص ۷۷-۷۷؛ درباره حکم نگاه کردن به قدّمین ← ابن‌قدامة، ج ۷، ص ۴۵۴؛ علی طباطبائی، ج ۱۰، ص ۶۸-۶۹).
دلایل دیگر این گروه از فقها عبارت‌اند از:

(۱) عبارت دیگر همین آیه (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ) که مُفاد آن، وجوب پوشانیدن گریبان و روی سینه است. خُمُر، جمع خِمَار، به معنای مقنعه یا روسری زنان است (طبرسی، ذیل آیه؛ ابن‌منظور، ذیل «خمر»). طبق گزارشهای مفسران و اشارات حدیثی، زنان پیش از نزول این آیه روسری را از پشت گوشها رد می‌کردند و آن را به پشت خود می‌انداختند، به طوری که گوشها و گردن و گریبان آنها نمایان بود. در این آیه به آنها دستور داده شده است که روسریهایشان را به گونه‌ای بپوشند که گریبان و مقابل سینه آنها را بپوشاند؛ یعنی، دو طرف آن را از راست و چپ به جلو آورند تا همه این قسمتها پوشیده شود (← طبری؛ طبرسی؛ قرطبی؛ محمدحسین طباطبائی، ذیل آیه). در واقع، زنان موی سر خود را می‌پوشانده‌اند اما اینک آیه در مقام بیان حد پوشش، از لزوم پوشاندن گردن و سینه سخن گفته ولی از پوشاندن چهره سخنی به میان نیاورده است (← ابن‌حزم، ج ۳، ص ۲۱۶؛ حکیم، ج ۵، ص ۲۴۳، ج ۱۴، ص ۲۸).

(۲) در بسیاری از احادیث امامان یا پرسشهایی که از آنان شده، حکم نگاه کردن به موی برخی زنان مطرح شده (← حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۱۹۹، ۲۰۶-۲۰۵، ۲۲۳-۲۲۵، ۲۲۹)، اما از حکم چهره که مورد ابتلا بوده و پرسش از آن تناسب بیشتری داشته است - جز در مورد قصد ازدواج، که خصوصیت دارد (← انصاری، ص ۳۸-۴۳؛ محمدتقی خوئی، ج ۳۲، ص ۲۱-۲۲) - پرسش نشده و سخنی به میان نیامده است. این امر بیانگر آن است که استثنای چهره از لزوم ستر یا حرمت نظر به آن، قطعی تلقی می‌شده است (← علی طباطبائی، ج ۱۰، ص ۶۹-۷۰؛ نراقی، ج ۱۶، ص ۴۹).

(۳) پوشاندن صورت و دستها که به حسب طبیعت بشر در همه حالات ظاهر هستند، موجب عسر و حرج و لطمه شدید به فعالیت عادی زندگی است (ابن‌قدامة، ج ۱، ص ۶۳۷؛ نجفی، ج ۲۹، ص ۷۷؛ نیز برای نقد این استدلالها ← همان، ج ۲۹، ص ۷۸-۸۰). در عین حال، در منابع حدیثی و فقهی توضیح داده شده است که واجب نبودن پوشش صورت و دستها به معنای جایز نبودن پوشاندن آنها نیست و اساساً پوشیده‌تر بودن زنان کاری نیکو و رعایت حریم میان زن و مرد غیرمحرّم، تا حد

بر زنان، مردان نیز به موجب فقه اسلامی مکلف‌اند که در ارتباطات خود با افراد جامعه - خواه زنان غیرمحرّم، خواه محارّم و خواه همجنسان - مراتبی از ستر و عفاف را رعایت کنند. هرچند ستر واجب برای مردان بسیار کمتر از زنان است (طبایبانی‌یزدی، ج ۵، ص ۴۹۵؛ جزیری، همانجا)، برخی فقهای شیعه و اهل سنت (جزیری، همانجا؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۴۸) پوشاندن موضعی از بدن را که به طور معمول پوشانده می‌شود، در برابر غیرمحرّم بر مردان لازم شمرده‌اند. همچنین به نظر برخی فقهای شیعه، هرگاه بدن مرد در معرض نگاه آمیخته با تلذذ باشد، مانند مردانی که به ورزش یا عزاداری می‌پردازند، پوشاندن بدن بر او واجب است، زیرا از مصادیق «معاونت بر اثم» (همیاری در امر گناه) شمرده می‌شود (شبیری زنجانی؛ درس خارج فقه، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۵ ش؛ قس محمدتقی خونی، ج ۳۲، ص ۱۰۴-۱۰۵). به اقتضای حکمت مذکور برای حکم حجاب، پوشش زن فقط در برابر مردان لازم نیست، بلکه، به استناد آیه ۳۱ سوره نور، به نظر برخی فقهای وی در برابر پسر نابالغ ممیز هم باید این تکلیف را مراعات کند (نجفی، ج ۲۹، ص ۸۲؛ زحیلی، ج ۷، ص ۱۹).

از نکات مورد تأکید فقهای تأسیسی بودن حکم حجاب در اسلام است (شبیری زنجانی، درس خارج فقه مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۰ ش) و دیگر اینکه اصل حجاب از احکام ضروری اسلام است (منتظری، ص ۴۵۷؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۴۹؛ سیستانی، ص ۴۱۴)؛ ازاین‌رو، فقها حتی در وضعی که زندگی زناشویی زن به سبب رعایت حجاب به مخاطره افتد، برداشتن حجاب را به انگیزه رفع مخاطره، جایز ندانسته‌اند (ابوالقاسم خونی، ج ۲، ص ۱۹۷، ۱۹۹؛ خونی و تبریزی، ج ۱، ص ۵۰۵؛ گلبایگانی، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۸۸). در عین حال، در موارد اضطراب (مانند بیماری) رفع حجاب به مقدار ضرورت تجویز شده است (ابوالقاسم خونی، ج ۲، ص ۱۹۷؛ مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۵۶؛ خامنه‌ای، ج ۲، ص ۷۹). فتاوی فقهای حاکمی از آن است که فعالیتها و مراودات اجتماعی زنان را به هیچ روی منافی با حجاب نمی‌دانند و از جمله بر جواز اشتغال و تحصیل بانوان، مشروط بر رعایت حجاب، فتوا می‌دهند (ابوالقاسم خونی، ج ۲، ص ۲۰۴، ۲۰۶-۲۰۸؛ منتظری، همانجا؛ خامنه‌ای، ج ۲، ص ۸۵).

در فقه اسلامی شکل خاصی از پوشش برای زن تعیین نشده و فقط بر پوشیده بودن بدن، جز موارد استثنا، تصریح شده است (خونی و تبریزی، ج ۵، فتاوی تبریزی، ص ۴۲۹؛ سیستانی، ص ۴۸۶، ۵۴۲؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۰، ج ۳، ص ۲۴۹)، حتی برخی فقهای پوشش حجم بدن را بنفسه لازم ندانسته‌اند (ابوالقاسم خونی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ شبیری زنجانی، درس خارج فقه، مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۴ ش). البته آنان

کردن - نجفی، ج ۲۹، ص ۸۱-۷۵؛ محمدتقی خونی، ج ۳۲، ص ۵۱-۴۰؛ نیز - نظر).

توجه به احکام گوناگون مربوط به پوشش و حجاب زنان در منابع فقهی نشان می‌دهد که این دستور الزامی دارای مراتب گوناگون است و از جمله به تبع محیطی که زن در آن قرار می‌گیرد، نوعی انعطاف دربردارد. مثلاً فقهای به استناد آیه ۶۰ سوره نور، پوشش لازم برای زنان سالخورده را که زمینه ازدواج ندارند سهل‌تر از حجاب متعارف دانسته‌اند (سطور پیشین). همچنین، به استناد آیه ۳۱ نور، پوشش زن در برابر مردانی که به نقص جنسی و عقلی دچارند (التَّائِبِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْثَةِ مِنَ الرِّجَالِ، برای توضیح این تعبیر در احادیث - ابن‌قدامة، ج ۷، ص ۴۶۲-۴۶۳؛ محمدباقر مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۳۳-۳۵) بسیار کمتر از حجاب ضروری در برابر مردان عادی است (ابن‌کثیر، ذیل آیه؛ محمدتقی خونی، ج ۳۲، ص ۷۵-۷۸). از سوی دیگر، برخی فقهای به استناد عبارت «وَأَوْسَاهُنَّ» در همین آیه (که مراد از آن را زنان مسلمان غیربرده می‌دانند)، آشکار ساختن زینت بانوان مسلمان را در برابر زنان غیرهمکیش جایز ندانسته‌اند تا از توصیف احتمالی ویژگیهای زنان مسلمان برای مردان پیشگیری شود (ابن‌قدامة، ج ۷، ص ۴۶۴؛ نجفی، ج ۲۹، ص ۷۱-۷۲). همچنین مقدار واجب پوشش زنان در برابر مردان محرم (غیر از همسر) و نیز زنان، بسیار کم است و به نظر مشهور فقهی، شامل سر و گردن و سینه نمی‌شود (جزیری، همانجا؛ محمدتقی خونی، ج ۳۲، ص ۵۱-۵۵).

با تأمل در حکمت تشریع حکم حجاب - که به تصریح آیات قرآن و احادیث (احزاب: ۳۳، ۵۳، ۵۹؛ نور: ۶۰؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۱۹۳-۱۹۴، ۲۳۵-۲۳۶)، ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت اخلاقی جامعه و ارزش‌گذاری عفاف و حیاست - گوناگونی مراتب احکام حجاب به خوبی قابل تحلیل است. تأکید قرآن و احادیث و متون فقهی بر اکتساب و تقویت ملکه عفت و تقوا، ضرورت رعایت حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد غیرمحرّم، و حرمت برخی امور (چون قرارگرفتن زن و مرد غیرمحرّم در یک محیط بدون امکان ورود شخص دیگر، نهی شدید از چشم‌چرانی مردان، وجوب ستر برای زن در برابر غیرمحرّم و پرهیز او از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز در محیط جامعه از قبیل تبرّج یا سخن گفتن مهیج) بیانگر ارتباط وثیق عفاف و حیا با حجاب است (احزاب: ۳۲-۳۳؛ نور: ۳۰-۳۱؛ حرّعاملی، ج ۲۰، ص ۱۸۵-۱۸۶، ۱۹۰-۱۹۵، ۲۰۷-۲۰۹، ۲۱۱-۲۱۲؛ محمدباقر مجلسی، ج ۶۸، ص ۲۶۸-۲۷۲؛ طبایبانی‌یزدی، ج ۵، ص ۴۹۰؛ زحیلی، ج ۷، ص ۳۳۶-۳۳۷).

بر این اساس، برای حفظ و استقرار حجاب به عنوان هنجاری ایمانی - اجتماعی در همه مناسبات اجتماعی، علاوه

پوشیدن لباسهای نازک و بدن‌نما و تحریک‌آمیز را نپذیرفته‌اند و درباره استفاده از لباسهای رنگارنگ و تزئین شده ملاحظاتی دارند (ابوالقاسم خوئی، ج ۲، ص ۲۱۱؛ خوئی و تبریزی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ منتظری، همانجا).

شکل حجاب و چگونگی انطباق آن با معیارهای پوشش اسلامی با توجه به عواملی چون فرهنگ و آداب و باورها و عرف و شرایط اقلیمی و گاه محدودیتهای اجتماعی هر سرزمین، تفاوت می‌کرده است. مثلاً رایج‌ترین نوع پوشش اسلامی در ایران، چادر بوده که در مقاطع گوناگون تاریخی و اوضاع جغرافیایی، متنوع بوده است (چادر*)، اما زنان مسلمان پایبند به حجاب در بسیاری از کشورهای اسلامی، دست‌کم در دهه‌های اخیر، به‌ندرت از چادر استفاده کرده‌اند. در کشورهای عربی خاورمیانه، عبایه و در مغرب، جلباب رایج بوده و همچنین رایج است. زنان مسلمان مقیم در کشورهای غیراسلامی - که گاه محدودیتهایی برای رعایت حجابشان اعمال می‌شود - نیز کوشیده‌اند پوشش مناسب از نظر محیطی و مقبول از نظر شرعی را طراحی و درباره مطابقت آن با موازین فقهی، استفتا کنند (برای نمونه - سیستانی، ص ۵۴۲).

اگرچه حجاب، دستوری قرآنی و تکلیفی دینی است که مخاطبان آن اصالتاً مکلفان هستند، اما ماهیت این حکم، اجتماعی است و از این‌رو رعایت یا عدم رعایت آن بروز و ظهور اجتماعی می‌یابد. از سوی دیگر، اقتضای اطلاعات ادله احکام فردی و اجتماعی دین آن است که تمام مقررات دینی در جامعه اجرا شود و شارع به رعایت نشدن احکام دین راضی نیست. از لوازم این موضوع آن است که حکومتها در یک جامعه اسلامی در برابر جهت‌گیری اخلاقی مردم و اجرای احکام شریعت در زندگی اجتماعی مسئولیت دارند و باید به حفظ شئون اجتماع ملتزم باشند و به آموزه‌های دینی احترام گذارند (سروش، ص ۱۷۴-۱۷۵، ۴۹۹-۵۰۳، ۵۰۶-۵۰۷). دولت اسلامی همان‌گونه که نمی‌تواند اجازه شرب خمر علنی را، حتی به پیروان ادیان دیگر بدهد، نمی‌تواند با رعایت نشدن حجاب در جامعه نیز موافقت کند، زیرا حجاب، فراتر از ادای تکلیف توسط مؤمنان، هنجاری لازم‌الاجرا در جامعه دینی است.

برخی مخالفان دخالت حکومت در این زمینه بر آن‌اند که پیشگیری از بی‌حجابی سابقه فقهی و تاریخی ندارد و سیره معصومان، به‌ویژه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام که حکومت تشکیل داده بودند، الزام حکومتی حجاب نبوده است و آنان به تذکار و ارشاد بسنده می‌کرده و هیچ‌گاه برای بی‌حجابی حکم کیفری صادر نکرده‌اند (فقیه

شیرازی، ص ۲۷۱؛ نیز - ابن‌حنبل، ج ۱، ص ۲۵۱؛ کلینی، ج ۵، ص ۵۳۷؛ بیهقی، ج ۲، ص ۲۲۶). در پاسخ این ادعا گفته‌اند که اصولاً تا قبل از دوره جدید، حجاب زنان امری متداول و شایع در دنیای متمدن بوده است. حکومت‌های مسلمان در گذشته با این مسئله به شکل کلان رویه‌رو نبودند و تنها در سده اخیر، و به تبع تغییر وضع در دنیای غرب، حرکت‌های گوناگونی برای رفع حجاب در کشورهای اسلامی سازمان‌دهی شد (ادامه مقاله).

عصر جدید و مسئله حجاب اسلامی. پرسش از مسئله حجاب، از منظرهای مختلف، در چند دهه اخیر پرسشی جدی و پرتنید بوده است؛ مثلاً جریان‌های مختلف اجتماعی، از جمله جنبش‌های دفاع از حقوق زنان، با تشکیک در چند و چون حکم حجاب و طرح دیدگاههایی در مخالفت با آن، نقش مهمی در مقابله با حجاب در جوامع اسلامی داشته‌اند. بنابر گزارش‌های مستند، در اواخر سده گذشته، هم در ایران و هم در قلمرو عثمانی، تغییر و تحولات بسیاری در وضع حجاب ایجاد شد که بی‌سابقه بود (خان‌ملک ساسانی، ص ۲۲۶-۲۲۸؛ سانساریان^۱، ص ۹۸-۱۰۰؛ صادقی، ص ۳۰-۳۲، ۴۶-۴۸).

مطرح شدن موضوع کشف حجاب* در ایران - که زمزمه آن هم‌زمان بانفوذ و رواج افکار تجددگرایانه از سال‌های نخست پیروزی مشروطه آغاز شد و حدود ۲۵ سال بعد، در ۱۳۱۴ ش، به دستور رضاشاه پهلوی اجبار و اجرا گردید - سبب نگارش آثار مستقل متعددی در واکنش به این اقدام و اثبات قطعی بودن حکم حجاب در اسلام شد (آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۲۵۴؛ پانیوس؛ جعفریان، ۱۳۸۰ ش الف، ص ۲۹-۳۱، ۳۵). نگارش رساله‌هایی به نام حجابیه، ظاهراً از ۱۳۲۹ با رساله فی وجوب الحجاب و حرمة الشراب، اثر محمدصادق ارومی فخرالاسلام (عالم مسیحی نومسلمان و نویسنده آنیس الأعلام)، آغاز گردید، ولی بیشتر رساله‌های حجابیه در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ش نوشته شدند. پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و لغو قانون کشف حجاب اجباری در ۱۳۲۲ ش، نیز کتابها و مقاله‌های زیادی در این باره انتشار یافت (جعفریان، ۱۳۸۰ ش الف، ص ۳۵-۳۶). تعدادی از این رساله‌ها به کوشش رسول جعفریان با عنوان رسائل حجابیه در ۱۳۸۰ ش به چاپ رسیده است.

ساختار موضوعی و محتوای رساله‌های حجابیه عموماً چنین است: تاریخ حجاب در ادیان دیگر و سابقه‌دار بودن آن نزد اقوام و ادیان گوناگون؛ بررسی آیات و احادیث راجع به حجاب و آرای فقها درباره حد آن؛ فلسفه حجاب؛ اهمیت تعلیم و تربیت بانوان و تعارض نداشتن حجاب با آن؛ بیان اهداف طرفداران کشف حجاب، گزارش انتقادهای آنان و پاسخ به آنها؛ و بررسی

در هر صورت، پس از سقوط رضاشاه در ایران، با مقاومت علما و متدینان، امکان حضور زنان در جامعه با رعایت حجاب شرعی، فراهم گشت. بر پایه گزارشها، در سالهای منتهی به انقلاب اسلامی، استفاده از پوشش اسلامی در ایران رشد محسوسی یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۱، ص ۲۶۸، کتاب ۲، ص ۱۲۶، ۱۲۹). در آغاز روند انقلاب اسلامی ایران و در راهپیماییها، حجاب نمادی اساسی برای مخالفان حکومت بود و نوعی ابراز ناراضی و مخالفت با الگوهای تحمیل شده بر زنان در دوران پهلوی به شمار می‌رفت (حافظیان، ص ۱۶۹-۱۷۸). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی بارها درباره حجاب و اهمیت آن سخن گفت که برخی از آنها پاسخ به پرسش درباره شیوه اجرای حکم حجاب در ایران بود (برای نمونه - امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۹، ج ۹، ص ۹۶-۹۵، ج ۱۹، ص ۱۲۱). در اسفند ۱۳۵۸، نیز بحث الزامی شدن رعایت حجاب از سوی بانوان در جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و بر پایه این دیدگاه فقهی که مخالفت عملی با حکم حجاب می‌تواند مشمول کیفر تعزیر باشد (برای نمونه - گلپایگانی، ج ۳، ص ۲۱۰-۲۱۱)، در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای آن ضمانت اجرایی کیفری مقرر شد (برای این ماده قانونی و نقد آن - هاشمی، ص ۱۵۲-۱۵۵).

علاوه بر ایران، در یکی دو دهه اخیر، رعایت حجاب شرعی، در میان زنان کشورهای مسلمان و مسلمانان ساکن کشورهای غیراسلامی نیز مورد استقبال قرار گرفته است و به عنوان پدیده اجتماعی مهمی که نقش برجسته‌ای در هویت‌نمایی مسلمانان دارد، گاه جنبه سیاسی نیز یافته و حتی در بعضی کشورهای اروپایی عکس‌العملهایی را برانگیخته است.

از سوی دیگر، حجاب زنان در دو سه قرن اخیر، نزد اروپاییان، و به تبع آن در جهان اسلام، طنینی گسترده داشته است. این موضوع ابتدا در آثار سفرنامه‌نویسان غیرمسلمان و بعدها در آثار مکتوب راجع به حقوق زنان مسلمان و سپس در رسانه‌های جمعی کشورهای غیراسلامی بسیار مورد توجه واقع شده و گاه بارزترین نماد جهان اسلام معرفی گردیده است. در عین حال، بیشتر غیرمسلمانان، به‌ویژه هواداران جنبشهای دفاع از حقوق زنان، حجاب را پوششی دست و پاگیر، محدودکننده و نشانه بارز ظلم به زنان و سیطره مردان بر آنان معرفی کرده‌اند (> دایرةالمعارف زنان و فرهنگهای اسلامی>، ج ۱، ص ۳۶۴، ۴۴۰، ۴۴۲-۴۴۳، ج ۲، ص ۲۹۱، ۶۸۶؛ احمدی، ص ۱۵۲-۱۵۴، ۱۶۰، نیز - ص ۱۴۹-۱۵۰). این نحوه مواجهه، ناشی از تحولی کلی است که در غرب جدید پس از دوره نوزایی

آثار منفی رفع حجاب، مانند رواج بی‌عفتی، کاهش ازدواج و افزایش طلاق.

رویکرد مباحث در مقالات و کتابهای نگاشته شده بر ضد حجاب نیز بدین‌گونه است: تحریف مسائل مطروحه در ذیل آیات مربوط به حکم پوشش، منافات داشتن حجاب با شیوه زندگی جدید، ضرورت آزادی زن، ناسازگاری حجاب با مشارکت زن در فرایند تعلیم و تربیت و فعالیتهای اجتماعی، فاقد اصالت دینی بودن حجاب به سبب وارد شدن آن از دیگر فرهنگها به فرهنگ مسلمانان، انکار ارتباط حجاب با عفت و تأکید بر تأثیر منفی حجاب در برانگیختن احساسات غیراخلاقی جنسی.

گفتنی است که در سالهای آخر دهه ۱۳۴۰ ش، کتاب مسئله حجاب مرتضی مطهری از آثار مهم و تأثیرگذار در دفاع از حکم حجاب بود و به سبب ویژگیهای انحصاری آن با اقبال بسیار روبه‌رو شد. پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۷ ش)، نیز، باتوجه به برجسته‌تر شدن جایگاه و اهمیت حجاب در جامعه‌ای که بر پایه آموزه‌های دینی انقلاب کرده بود، مقالات و آثار بسیاری در این باره به چاپ رسید (برای کتاب‌شناسی حجاب - جعفریان، ۱۳۸۰ ش ب، ص ۱۳۳۷-۱۳۴۸؛ نیز برای برخی آثار - آقابزرگ طهرانی، ج ۶، ص ۲۵۴، ج ۷، ص ۵۷، ج ۱۱، ص ۹، ۶۳، ج ۱۲، ص ۹۰، ۱۵۴، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۹۲، ج ۱۵، ص ۱۸۳، ۲۷۲، ج ۱۷، ص ۲۳۵).

نکته در خور دقت در آثار مخالفان حجاب این است که چون سنت جاری حجاب در مناطق گوناگون دنیای اسلام، پوشاندن تمام بدن (از جمله صورت و دستها) بود، برخی قائلان به کشف حجاب، با استناد به دلایل قرآنی و حدیثی، به اثبات واجب نبودن پوشش صورت و دستها پرداختند و سپس با خلط بحث، مدعی شدند که حکم حجاب در قرآن ذکر نشده و مبنای شرعی ندارد. مقصود آنان از حجاب، نقابی بود که زنان به صورت می‌زدند (- قاسم امین، ص ۵۶-۶۸؛ زین‌الدین، ص ۲۳۷-۲۴۴، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۶۶-۲۷۰؛ مینوی، ص ۱۲۶۳-۱۲۶۷). در حقیقت، سخن گفتن برضد حجاب، به سبب نهادینه بودن آن نزد مسلمانان و آمیخته شدن با غیرت دینی و اخلاقی، یکباره میسر نبود؛ از این رو آنان ابتدا مسئله کاهش حدود حجاب را پیش کشیدند و با تأکید بر جواز شرعی نپوشاندن صورت و دستها یا نگاه به آنها، که فتوای مشهور فقها نیز هست، نخستین گام برای مطرح کردن نفی کلی حجاب را برداشتند (جعفریان، ۱۳۸۰ ش الف، ص ۳۳-۳۴، ۴۳) که از آن به «حیلة کشفیین» (حیلة قائلان به کشف حجاب) تعبیر شده است (- طالقانی طهرانی، ص ۴۱۶-۴۱۸).

(رنسانس) و انقلاب صنعتی، روی داده است. پذیرش این اصل که انسان، خود اخلاقیات خود را می‌سازد و هنجارها را نه قانون الهی، که عرف تعیین می‌کند، مهم‌ترین عامل نفی پایبندی به الزامات اجتماعی دینی بوده (کیویت^۱، ص ۴۱-۴۲، ۱۵۹) و یکی از مظاهر آن، کنار گذاشتن تدریجی حجاب و پوشش شرعی، به مثابه نماد حضور دین در اجتماع، است (دورانت^۲، ج ۵، ص ۶۱۴-۶۱۸).

حضور فعال همراه با مداخلات غربیان در کشورهای اسلامی در قرن سیزدهم / نوزدهم و نفوذ فرهنگ مدرن و در پی آن گسترش مباحث مرتبط با زندگی اجتماعی و حقوقی زنان در جهان اسلام، به تبع آنچه در جهان غربی جدید روی داد، موجب شد که در اواخر این قرن بحث از زن، جنسیت و نسبت آموزه‌های اسلامی با حقوق زنان، از جمله نوع پوشش آنان، مورد توجه قرار گیرد. بارزترین نمود این مسئله در زمان سیطره انگلستان بر مصر روی داد که استفاده آنان از ادبیات فمینیستی و شناساندن حجاب به عنوان نماد مظلومیت و فرودستی زنان مصری سبب شد پوشش زن مسلمان، موضوع محوری گفتمان ناسیونالیستی - فمینیستی در این کشور شود. ظاهراً اصطلاح حجاب در بین مسلمانان نیز از همین دوران رایج شده است (> دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد<)، همانجا: > دایرةالمعارف زنان و فرهنگهای اسلامی<، ج ۱، ص ۴۴۱، ۴۴۳، ج ۳، ص ۳۹۴، ۳۹۶؛ احمد، ص ۱۲۷-۱۲۸، ۱۵۱-۱۵۵). مخالفان حجاب در جوامع مسلمان این ادعا را نیز پیش کشیده‌اند که این نوع پوشش زنان در جوامع اسلامی نه از احکام اسلام بلکه از تمدنهای دیگر، مانند روم شرقی و ایران، به میان مسلمانان آمده است (قاسم امین، ص ۵۶؛ کسروی، ص ۶-۱۰؛ احمد، ص ۱۵۱۴، ۵۵؛ نیز - مطهری، ص ۲۰۵-۲۰۶). دیگر آنکه از دیدگاه جنبشهای فمینیستی، حجاب بیش از آنکه پوشاننده بدن زن باشد، مطرح‌کننده او به مثابه جنس مؤنث است. به نظر آنان اسلام جنسیت زن را بالقوه برای امنیت اخلاقی جامعه خطر ساز دانسته و برای پیشگیری از وقوع فتنه در اجتماع که قلمرو مردان است، زنان را ملزم به رعایت حجاب نموده است. بر پایه نظر آنان، حجاب نماد جداسازی جنسیتی و تفاوت نهادن میان جنسیتهاست و تشریع آن مظهر تداوم ذهنیت دوران جاهلیت نسبت به زن و عقب‌نشینی اسلام از اصول برابری اجتماعی به شمار می‌رود (مرنیسی، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ > دایرةالمعارف زنان و فرهنگهای اسلامی<، ج ۲، ص ۵۰۰، ۶۸۶).

در واکنش به انتقادهای استعمارگران و شرق‌شناسان و

فمینیستها و مخالفان حجاب از قوانین اسلامی مرتبط با زنان و از جمله مقوله حجاب، شماری از نویسندگان و متفکران جهان عرب، به‌ویژه در مصر و لبنان، علاوه بر تحلیلهای ریشه‌یابانه این اظهارات، در صدد برآمدند با ارائه تفسیری جدید از آموزه‌های اسلام، آنها را به گونه‌ای تأویل کنند که با مباحث جدید مرتبط با حقوق زنان سازگاری یابد. از این رویکرد در ایران، برخلاف کشورهای عربی، استقبال جدی نشد، بلکه رواج ملی‌گرایی معطوف به پیشینه قبل از اسلام، پس از تأسیس حکومت پهلوی که با کنار گذاشتن هویت اسلامی و جهت‌گیری کلی احیای آنچه سابقه تاریخی ایران پیش از اسلام نامیده می‌شد، کشور را به سمتی پیش برد که در آن نفی حجاب به منزله دفاع از منزلت زنان و حجاب با چهل، عقب‌ماندگی و نامتمدن بودن مساوی دانسته می‌شد (قاسم امین، ۱۳۱۶؛ زین‌الدین، ۱۳۴۶؛ صادقی، ص ۱۲-۱۵، ۲۲، ۵۲-۵۳، ۶۱).

اما به رغم همه مخالفتها، برای بسیاری از زنان مسلمان، حجاب نماد مقاومت زنان در برابر فرهنگ تحمیل شده به جهان اسلام به شمار می‌رود و اکنون در بین زنان مسلمان، به‌خصوص مسلمانان ساکن در کشورهای غربی، حجاب نماد دین‌داری، اسلام‌گرایی، سازگاری آموزه‌های اسلامی با دنیای مدرن و نفی فرهنگ غرب است (> دایرةالمعارف زنان فرهنگهای اسلامی<، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲، ۴۴۰-۴۴۱، ج ۲، ص ۲۹۰، ج ۳، ص ۳۹۸-۳۹۹، ج ۴، ص ۴۰). اینک با توجه به اقامت حدود ۴۵۰ میلیون مسلمان در ۱۵۰ کشور غیرعضو سازمان کنفرانس اسلامی، موضوع ممنوعیت حجاب اسلامی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، باتوجه به اصول حاکم بر حقوق اقلیتها*، مورد بحث و گفتگوست (میرمحمدی، ص ۵۰). همچنین رویکرد کلی جهان اسلام در فرایند جهانی‌شدن*، یافتن ساز و کاری مناسب برای حفظ هویت فرهنگی مسلمانان است و در این میان بحث از حجاب و پوشش زنان جایگاه ویژه‌ای دارد.

منابع: علاوه بر قرآن و کتاب مقدس؛ آقابزرگ طهرانی؛ ابن‌بابویه، علی‌الشرایع، نجف ۱۳۸۵-۱۳۸۶، چاپ اقصی قم [بی‌تا]؛ ابن‌حزم، المحلی، چاپ احمد محمد شاکر، بیروت: دارالافتاء الجلیدة، [بی‌تا]؛ ابن‌حنبل، مسندالامام احمدبن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی‌تا]؛ ابن‌سعد (لیدن)؛ ابن‌قدامة، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی، [بی‌تا]؛ ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت ۱۴۱۲؛ ابن‌منظور؛ احمد دردیر ابوالبرکات، الشرح الکبیر، بیروت: داراحیاء الکتب العربیة، [بی‌تا]؛ احمدبن محمد اشعری قمی، کتاب النوادر، قم ۱۴۰۸؛ امام خمینی، صحیفه نور، تهران، ج ۲، ۱۳۶۱، ج ۹، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۱۳۶۸، ۱۳۷۶؛ مرتضی‌بن محمدامین انصاری، کتاب النکاح، قم ۱۴۱۵؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران: سروش، کتاب ۱، ۱۳۷۶، ش.

المبسوط، بیروت ۱۳۰۶/۱۹۸۶؛ محمد مهدی شمس الدین، مسائل حرجة فی فقه المرأة، کتاب: ۱: الست و النظر، بیروت ۲۰۰۱؛ محمد شوکانی، ففتح القدیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی.تا.]: زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالك الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ فاطمه صادقی، جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول)، تهران ۱۳۸۴؛ ابوالحسن طالقانی طهرانی، «محاكمه در موضوع حجاب»، در رسائل حجابیه، همان منبع، دفتر ۱؛ علی بن محمد علی طباطبائی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بساللائل، قم ۱۴۱۲-۱۴۲۰؛ محمد حسین طباطبائی؛ محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، قم ۱۴۱۷-۱۴۲۰؛ طبرسی؛ طبری، جامع؛ محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران ۱۳۸۸؛ حسن بن عبدالله عسکری، معجم الفروق اللغویه، الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزءاً من کتاب السید نورالدین الجزائری، قم ۱۴۱۲؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، تذکرة الفقهاء، چاپ سنگی [بی.جا، بی.تا.]: چاپ افست تهران ۱۳۸۸؛ محمد مهدی فاضل، «بررسی لزوم و حدود حجاب در فقه اهل تسنن»، کتاب زنان، ش ۳۷ (پاییز ۱۳۸۶)؛ محمد بن حسن فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، چاپ حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهااردی، و عبد الرحیم بروجردی، قم ۱۳۸۷-۱۳۸۹، چاپ افست ۱۳۶۳؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، أو، مفاتیح الغیب، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ محسن فقیه شیرازی، «نقد مقالة حیل المتین»، در رسائل حجابیه، همان منبع، دفتر ۱؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، کتاب الوافی، چاپ ضیاء الدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۶۵-۱۳۷۴؛ قاسم امین، تحریر المرأة، قاهره ۱۳۱۶/۱۸۹۹؛ یوسف قرضاوی، النقاب للمرأة: بین القول ببدعته... و القول بوجوبه، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۱؛ محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۱؛ محمد علی کاظمی خراسانی، کتاب الصلاة، تقریرات درس آية الله نائینی، قم ۱۴۱۱؛ احمد کسروی، خواهران و دختران ما، تهران ۱۳۲۴؛ علی اکبر کلانتری، فقه و پوشش بانوان، قم ۱۳۸۳؛ کلینی؛ دان کیویت، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد، تهران ۱۳۸۰؛ محمدرضا گلپایگانی، مجمع المسائل، قم، ج ۲، ۱۳۶۴، ج ۳، [بی.تا.]: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همان، ج ۳۰، چاپ عبد الزهراء علوی، بیروت: دارالرضا، [بی.تا.]: محمد تقی بن مفصود علی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳؛ فاطمه مرینی، زنان پرده نشین و نجیبگان جوشن پوش: برداشتی نوین از حقوق زن در اسلام، ترجمه ملیحه مغازه‌ای، تهران ۱۳۸۰؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت [بی.تا.]: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران ۱۳۷۰؛ محمدرضا مظفر، اصول الفقه، قم ۱۳۷۰؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، زیادة البیان فی احکام القرآن، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران [بی.تا.]: محمد بن احمد اسماعیل مقدم، ادلة الحجاب، اسکندریه ۱۴۲۵/۲۰۰۵؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید،

کتاب ۲، ۱۳۷۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، [چاپ محمد ذهنی افندی]، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱، چاپ افست بیروت [بی.تا.]: احمد بن محمد برقی، المحاسن، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۴۱۳؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، [بی.تا.]: محمد اعلی بن علی تهانوی، موسوعة کشاف الفنون و العلوم، چاپ رفیق العجم و علی دحروج، بیروت ۱۹۹۶؛ عبد الرحمان جزیری، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ احمد بن علی جصاص، کتاب احکام القرآن، [استانبول] ۱۳۳۵-۱۳۳۸، چاپ افست بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ رسول جعفریان، «بدعت کشف حجاب در ایران»، در رسائل حجابیه: شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب، چاپ رسول جعفریان، دفتر ۱، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰؛ ش الف، همو، «کتابشناسی حجاب»، در همان، دفتر ۲، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰؛ عبدالله جوادی آملی، کتاب الصلاة، تقریرات درس آية الله محقق داماد، قم ۱۴۰۵؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ احمد عبد الغفور عطار، قاهره ۱۳۷۶، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷؛ محمد حسین حافظیان، زنان و انقلاب: داستان ناگفته، تهران ۱۳۸۰؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، چاپ یوسف عبد الرحمان مرعشی، بیروت ۱۴۰۶؛ حرّ عاملی؛ محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، چاپ افست قم ۱۴۰۴؛ علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، کویت ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ج ۲، بیروت ۱۴۲۰/۱۹۹۹؛ احمد خان ملک ساسانی، یادبودهای سفارت استانبول، تهران ۱۳۴۵؛ ابوالقاسم خوئی، المسائل الشرعیة: استفتاءات، ج ۲: المعاملات، قم ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ ابوالقاسم خوئی و جواد تبریزی، صراط النجاة: استفتاءات لآية الله العظمی الخوئی مع تعلیقه و ملحق لآية الله العظمی التبریزی، قم ۱۴۱۶-۱۴۱۸؛ محمد تقی خوئی، المبانی فی شرح العروة الوثقی: النکاح، تقریرات درس آية الله خوئی، در موسوعة الامام خوئی، ج ۳۲، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ۲۰۰۵/۱۴۲۶؛ ولیم جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ج ۵: رنسانس، ترجمه صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی، تهران ۱۳۶۷؛ محمد بن محمد زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲، چاپ علی هلالی، کویت ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افست بیروت [بی.تا.]: وهبه مصطفی زحلی، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ محمد بن بهادر زركشي، البرهان فی علوم القرآن، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ نظیره زین الدین، السُّقُور و الحجاب، بیروت ۱۳۴۶/۱۹۲۸؛ الیز سانا ساریان، جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران ۱۳۸۴؛ ش؛ عبد اعلی سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۶؛ محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم ۱۳۷۸؛ علی سیستانی، استفتاءات المرجع الدینی الاعلی السید السیستانی مدظله، قم ۲۰۰۰؛ علی اکبر سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسيلة، [تهران]: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، [بی.تا.]: سیوطی؛ محمد بن احمد شمس الاثمه سرخسی، کتاب

گردآوری ابوالقاسم علیانزادی، قم ۱۳۸۵ ش؛ حسینعلی منتظری، رساله توضیح المسائل، تهران ۱۳۷۷ ش؛ الموسوعة الفقهية، ج ۴۱، کویت: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية، ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ محمد مؤمن قمی، کتاب الصلاة، تقریرات درس آیةالله محقق داماد، قم ۱۴۰۵؛ مصطفی میرمحمدی، «عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها»، کتاب زنان، ش ۳۷ (پاییز ۱۳۸۶)؛ مجتبی مینوی، «پوشیدن روی یا نپوشیدن روی: در دفاع از کشف حجاب»، در رسائل حجاییه، همان منبع، دفتر ۲؛ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۹، چاپ محمود قوچانی، بیروت ۱۹۸۱؛ احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۶، قم ۱۴۱۹؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸؛ حسین هاشمی، «نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا. در جرم‌انگاری بدحجابی»، کتاب زنان، ش ۳۷ (پاییز ۱۳۸۶)؛ علی بن ابوبکر هیمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛

Leila Ahmed, *Women and gender in Islam: historical roots of a modern debate*, New Haven 1992; *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem 1978-1982, s.v. "Head, covering of the" (by Meir Ydit); *Elr.* s.vv. "Ādār. I: in early literary sources" (by Bijan Gheiby), "Ādār. II: among Zoroastrians" (by James R. Russell); *The encyclopedia of religion*, ed. Mircea Eliade, New York 1987, s.vv. "Clothing, religious clothing in the west" (by Deborah B. Kraak), "Tertullian" (by E. Glenn Hinson); *Encyclopedia of the women & Islamic cultures*, ed. Suad Joseph, Leiden: Brill, 2003-2007; *The Oxford encyclopedia of the modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Hijāb" (by Fadwa el Guindi).

/ فریده سعیدی /

حجاب (۲)، اصطلاحی در عرفان اسلامی به معنای

آنچه مانع یا واسطه آشکار شدن خدا بر غیر اوست. حجاب در لغت به معنای ستر است؛ از این رو، هر چه سبب شود شیئی از شیء دیگر پوشیده و پنهان گردد، حجاب نامیده می‌شود (خلیل بن احمد؛ ابن منظور، ذیل «حجب»). همچنین حجاب به معنای مانع و حائل میان بیننده و شیء مرئی است (طریحی، ذیل «حجب»). علاوه بر این، در معنایی عام هرگونه مانع میان دو چیز را حجاب نامیده‌اند (خلیل بن احمد؛ ابن منظور، همانجا).

در عرفان اسلامی، حجاب به معانی متناظر با معنای لغوی آن (ستر و پرده) به کار رفته است (روزبهان بقلی، ۱۳۴۴ ش، ص ۱۶۳، ۲۰۱؛ ابن عربی، فتوحات، ج ۴، ص ۲۱۵). صورته‌ها و تعینات موجودات یا صورتهایی که خدا به واسطه آنها بر بنده

خود آشکار می‌شود، حجاب و ستر او هستند. در بیانی فنی‌تر، حجاب به معنای انطباق صور کونی (مادی و دنیوی) در قلب است به گونه‌ای که تمام آن را فراگیرد و امکان تجلی حقایق در قلب وجود نداشته باشد (عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۳۳) و در حقیقت هر آنچه سالک را از حق باز دارد، حجاب است. بر این پایه، علوم و معارف یا کشف و شهود سالک و نیز هستی او همه حجاب‌اند (روزبهان بقلی، ۱۳۴۴ ش، ص ۵۷۲).

معنای اصطلاح حجاب و مرادفهای آن، در نسبت با سه رکن اساسی آموزه‌های عرفانی (یعنی ذات حق، عالم و انسان)، روشن می‌شود. اگرچه خدا بالنسبه به خویش از هرگونه حجابی میراست، در نسبت انسان با خدا مراتب متعددی از حجاب و پوشیدگی وجود دارد که با مراتب سلوکی ارتباط وثیقی دارند. از سوی دیگر، معنای عالم نیز پیوند نزدیکی با معنای حجاب دارد.

مکاشفه (کشف و شهود)* آگاهی به غیب و ماورای حجاب است، اما این بدان معنا نیست که هر چیزی به مدد مکاشفه قابل درک و شناخت است، زیرا حق تعالی از حیث حقیقت و هویت غیبی اطلاقی و بدون تعیین خویش در حجاب عزت خود است (فناوری، ص ۲۵۲). به گفته ابن عربی (فتوحات، ج ۲، ص ۱۲۹)، حجاب عزت همان حیرتی است که مانع از شناخت حقیقت ذات حق است (نیز به حیرت*). به گفته شعرانی (ص ۱۰۵)، مراد ابن عربی از حجاب عزت یا حجاب عظمت، احاطه نداشتن بر حق تعالی است. کبریا (عظمت) نیز در حدیث قدسی «کبریا ردای من است»، حجابی است که مانع از شناخت ذات خداست (ابن عربی، فتوحات، ج ۲، ص ۱۰۴).

حق تعالی از حیث ذاتش بر موجودات تجلی نمی‌کند و تجلی و ظهور او (تجلی*) از پشت حجابهای آسمانی است (قیصری، ص ۴۱۴). اسماء الهی، به معنای ظهور ذات خدا به همراه صفات کمالی او، حجابهای ذات‌اند (همان، ص ۴۳-۴۴)، اما برای اعیان ممکن، علت خلق و ایجاد هستند؛ لذا گفته شده است که موجودات ممکن از ورا (به واسطه) حجاب اسماء به مرتبه امکان رسیده‌اند (ابن عربی، فتوحات، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱). اسماء الهی علاوه بر اینکه حجاب ذات مقدس الهی‌اند، در عین حال هر یک حجاب اسماء دیگرند (همان، ج ۱، ص ۶۵۶). علاوه بر حجاب اسماء، مرتبه جامع اسماء و صفات نیز (که از آن به واحدیت و گاه عماء یاد می‌شود)، از حجابهای خداست (قیصری، ص ۴۳). اصطلاح عماء ریشه در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد که از ایشان درباره جایگاه حق قبل از خلق سؤال شده و پاسخ داده‌اند که در عماء بود (کان فی عماء؛ عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۲۶). عماء در اصطلاح عرفا گاه به احدیت و گاه به